



اول مارچ 2014



داکتر سید عبدالله کاظم

داعیه ای بنام «حقوق زن» در کشور!

دو هفته قبل (اواسط فبروری 2014) فعالان حقوق زنان در جمعی متشکل از بیست و چهار ولایت کشور در کابل به تصویب یک منشور زیر نام «منشور زنان افغانستان» پرداختند که در آن موضوعات از قبیل مصونیت حقوقی، مشارکت سیاسی، امنیت اقتصادی، کسب آموزش، دسترسی به خدمات صحتی و تأمین حقوق فرهنگی زنان گنجانیده شده است و هدف آن در این مقطع حساس تاریخ کشور همانا بلند کردن صدای زنان و جلب توجه دولت در زمینه میباشد. این منشور در حالی ترتیب گردیده که گزارش های پیهم از تشدید و افزایش خشونت علیه زنان در کشور به نشر میرسند که روز بروز بیشتر میگردد و امسال در مقایسه با سال گذشته 25 فیصد افزایش یافته است.

پورتال وزین افغان جرمن آنلاین که حمایت از حقوق زنان کشور را یکی از اهداف برجسته خود میداند، اخیراً به تقریب روز جهانی زن (هشتم مارچ) تمام بخش ها و صفحات پورتال را برای برگزاری این روز فرخنده تخصیص داده است و نیز کمپاینی را به نام «کمپاین تفکر، تحریر و عمل» به راه انداخته و توقع دارد تا هر هموطن وجیزه ها و نظریات خود را با اختصار در چند جمله کوتاه به اصطلاح «قصیر اللفظ، کثیر الالمعنی» در مورد نقش زنان در ابعاد مختلف زندگی بنویسند.

با حمایت کامل از «منشور زنان افغانستان» و نیز با قدردانی از ابتکار پورتال وزین افغان جرمن آنلاین، میخوام با کمال عجز تذکر دهم که این کمپینه اولین مرد افغان هستم که راجع به مسائل زنان کشور کتابی را در 20 فصل و جمعاً در 602 صفحه تحت عنوان «زنان افغان زیر فشار عنعنه و تجدد - یک بررسی تحلیلی تاریخی» نوشتم که در نوامبر 2005 در کابل در یک هزار نسخه به وسیله موسسه نشراتی «میوند» به نشر رسید و چاپ اول آن بسرعت نایاب شد.

در مقدمه کتاب نوشتم: موضوع زنان و حقوق شان در افغانستان یکی از موضوعات بسیار حساس و درعین زمان درخور توجه و دقت است. این موضوع از آغاز تا انجام قرن بیستم در افغانستان نشیب و فراز های جدی را پیموده و هروقت تحولی در زمینه به میان آمده است، جامعه مردسالار و عنعنه گرای کشور با حرکت شدیداً محافظه کارانه جلو آنرا گرفته و یا آنرا به حیث یک حربه مدهش علیه رژیم بکار بسته و با تعبیر و تفسیرهای دینی ذهنیت عامه مردم را علیه آن شورانیده است. رژیم ها و سران حکومتی نیز درقبال این اوضاع گاهی بصورت افراطی به پیش رفته و زمانی نیز شدیداً به عقب گام برداشته اند، طوریکه دیده میشود، هر دو حالت تحول در امور زنان را از مسیر ارتقای تدریجی آن بیرون کرده و دچار رکود و سرگشتگی ساخته است. در این ارتباط یقیناً این سؤال مطرح میگردد که چرا چنین حساسیت ها در مورد زنان در کشور ما وجود دارند و چرا ما تا حال نتوانسته ایم یک راه سالم را به حیث یک حرکت ارتقائی با تفاهم و اشتراک مساعی اکثریت مردم در پیش گیریم و همیشه کوشیده ایم نصف نفوس کشور را در حاشیه برده و اکثریت آنرا در خانه ها محصور کرده و یا در زیر چادری از اشتراک در امور اجتماعی، سیاسی و فرهنگی دور نگهداریم؟ ارائه جواب به همین سؤالها انگیزه اصلی نوشتن این کتاب بوده و کوشیده ام تا ریشه های عمیق معضله را در رویدادهای تاریخی کشور در طول قرن بیستم جستجو نموده و نشیب و فراز های آنرا بطور تحلیلی بررسی نمایم تا درسی از تاریخ آموخته باشیم.

جای دارد از دانشمند گرانقدر و نویسنده پربار و دوست گرامی جناب کانید اکادمیسین محمد اعظم سیستانی ابراز امتنان و سپاس کنم که چندی قبل با لطف فراوان بر کتاب «زنان افغان زیر فشار عنعنه و تجدد» نقدی مفصل در چهار قسمت نوشتند (همه در آرشیف نویسندگان پورتال زیر نام جناب ایشان قابل دریافت میباشند) و نیز ایشان در کتاب پرمحتوای خود تحت عنوان «وضع حقوقی زنان افغان از عهد امانی تا عهد کرزی» (منتشره انجمن نشراتی دانش که در 2013 در 376 صفحه به چاپ رسیده است) به تفصیل در هر مورد از آن کتاب یاد کرده اند.

د پانو شمیره: له 1 تر 8

افغان جرمن آنلاین په درنښت تاسو همکارۍ ته رابولي. په دغه پته له مور سره اړیکه ټینگه کړئ maqalat@afghan-german.de

پاڼونه: دلیکنی د لیکنیزې ښې پاڼوالې د لیکوال په غاړه ده، هيله من یو خپله لیکنه له رالیولو مخکې په خیر و لولئ

در این مدت دوازده سال که کشوریس از سقوط طالبان یک دوره بسیار مساعد را برای التیام زخم های ناشی از مصیبت های وارده از 1978 تا 2001 گذرانیده است، باوجودیکه موفقیت های لازم به مقایسه امکانات دست داشته حاصل نگردیده است و اما نمیتوان از این واقعیت انکار کرد که تحولات نسبی در برخی ساحات از جمله حرکت بسوی تجدد در امور زنان براه افتاده است. این تحرک یقیناً با مشکلات و موانعی روبرو میباشد که اگر توجه جدی در جهت رفع آن صورت نگیرد، جامعه بطور کل و بخصوص در امور زنان بار دیگر دستخوش حوادثی خواهد شد که در گذشته چند بار تکرار شده و هربار چرخ تاریخ را به عقب کشیده است. در این ارتباط میخواهم توجه را به یک گزارش تحقیقی جلب کنم که نشانه بارز برگشت به عقب بوده و به جدال همیشگی «تجدد و عنعنه» در جامعه دامن میزند و گسترش آن با عواقب خطیر توأم میباشد.

وقتی سایت فارسی بی بی سی را امروزطبق معمول هر روز باز کردم، چشمم به عنوانی گزارشی افتاد، تحت عنوان: «دختران سیاه پوش با افکار تندروانه در شمال افغانستان» که توسط ملیار صادق آزاد راجع به فعالیت مدرسه بنام «اشرف المدارس» در ولایت قندوز تهیه گردیده بود. با مطالعه این گزارش مبسوط و مستند در تحیر فرو رفتم و باخود گفتم که ما از یک سو داد از حقوق زن می زنیم و آنرا یکی از دست آوردهای مهم این دهه اخیر میدانیم و تلاشهای ممتد ملی و بین المللی را در راستای حقوق زنان در کشور به راه می اندازیم و اما از طرف دیگر می گذاریم تا بستر فشار و محدودیت بر حقوق زنان آنها با استفاده از نام دین و از یک مرکزی اسلامی زیر نام «مدرسه» بیشتر و عمیق تر گسترش پیدا کند. نمیدانم که پالیسی واقعی دولت در کدام سمت در حرکت است: در سمت حمایت از حقوق زن یا در سمت مخالف آن؟ آیا دولت از مسائلی آگاه نیست که در «اشرف المدارس» چه میگذرد؟ آیا دولتمردان ما نمیدانند که نفوذ افکار طالبی هم به شیوه «دیوبندی» و هم زیرسیطره «وهابیت» که هر دو در مورد زنان بیک مسیر در حرکت اند، در یکی از ولایات مهم کشور زمینه های برخورد و خشونت علیه زنان را پرورش میدهد؟ آیا فعالیتهای همچو مراجع، زنان کشور را که باید در راستای دفاع از حقوق شان در یک صف واحد قرار گیرند، به دو دسته گی و در عین زمان به مخالفت جدی با یکدیگر نمی کشاند و جدال را در بین این طبقه دامن نمی زند؟ آیا اینکار تیر مردان محافظه کار و عنعنه گرای افغان را دسته نمیدهد و بنیان جامعه «مردسالار» را بیش از پیش تقویه نمیکند تا نصف نفوس کشور را در چهاردیوار خانه محصور و زندانی سازند و جلو هرنوع تحول مثبت و سالم را در زمینه بگیرند؟ آیا فکر نمیشود که دست دراز حلقات خاص کشورهای بیرونی در تمویل همچو مدارس و روی اهداف خاص در فعالیت است تا بار دیگر مصیبت های دهه نود قرن گذشته را در کشور بار آورند؟ کدام عقل سلیم قبول کرده میتواند که مصارف این گونه مدارس را شاگردان آن با فروش «زیورات» خود متقبل و تدارک نمایند؟ آیا دولت گاهی از گرداندگان این مراکز در باره منابع مالی شان پرسیده است؟

برای روشن شدن مزید موضوع، بهتر است متن مکمل این گزارش را با اقتباس از سایت مذکور خدمت تقدیم دارم تا در این مقطع خاص وبه استقبال از روز جهانی زن به این مشکل بزرگ زنان کشور توجه هموطنان عزیز را جلب کرده باشم که فقط با شعار نمیتوان تغییر را آورد، بلکه تغییر مستلزم اقدامات عملی و جدی در زمینه است. متأسفانه تا جاییکه دیده میشود پالیسی دولت به قول معروف «هم به میخ و هم به نعل» زدن است. رئیس جمهور در مورد خانم محترمه خود از اصول طالبی پیروی میکند و این خود به مردان مثل او جرأت میدهد تا با تأسیس مراکزی همچو «اشرف المدارس» سد عظیم و خطیر را در مسیر اعاده حقوق زن در کشور استحکام بخشند و مانع ورود تحول مثبت و سالم بر مقتضای خصلت بشری گردند و ارا به های تاریخ را بار دیگر به عقب بکشانند.

متن گزارش:

دختران سیاه پوش با افکار تندروانه در شمال افغانستان

گزارشگر: ملیار صادق آزاد
بی بی سی: 28 فبروری 2014

د پانو شمیره: له 2 تر 8

افغان جرمن آنلاين په درنښت تاسو همکارۍ ته رابلئ. په دغه پته له مور سره اړیکه ټينگه کړئ maqalat@afghan-german.de
يادونه: دليکنې دليکنيزې بنې پازوالي د ليکوال په غاړه ده ، هيله من يو خپله ليکنه له راليرلو مخکې په خير و لولئ



این دختران شنیدن رادیو، دیدن تلویزیون، گرفتن عکس، بزرگداشت از روزهای معلم، مادر، سال نو، سالگرد تولد و همچنین کارکردن زنان در بیرون از خانه را حرام می‌دانند. ترویج اندیشه‌های تندروانه اسلامی در یک مدرسه دینی دخترانه در شمال افغانستان، نگرانی‌هایی را در مورد گسترش بنیادگرایی در میان زنان جوان افغان ایجاد کرده است.

بر اساس یافته‌های بی‌بی‌سی، آموزش‌های دینی در "اشرف‌المدارس" قندز آمیخته با سیاست و مغایر با فرهنگ و سنت‌های رایج در افغانستان است؛ از جمله شاگردان آن شنیدن رادیو، دیدن تلویزیون، گرفتن عکس، بزرگداشت روزهایی مانند روز معلم، مادر، سال نو، تولد و نیز کارکردن زنان در بیرون از خانه را حرام می‌دانند. شیوه آموزش، نحوه پوشش و تعبیر شاگردان این مدرسه از دین، نگرانی‌های بسیاری را در بیرون آن برانگیخته و این سوال را مطرح کرده که مسئولان آن چه اهدافی را دنبال می‌کنند و مبنای قانونی آن از چه قرار است؟

'تو کافر شدی!'

مدرسه "اشرف‌المدارس" توسط مولوی عبدالخالق و مفتی سراج‌الدین از ملاهای بانفوذ ولایت قندز، چهارسال پیش بنیان‌گذاری شده و در حال حاضر شش هزار دختر در آن درس می‌خوانند. به گفته گردانندگان اشرف‌المدارس، این مدرسه شاخه‌هایی هم در تخار و بغلان دارد و قرار است که در ۹ ولایت دیگر از جمله کابل پایتخت نیز شعبه ایجاد کند.



خانم گیاه می‌گوید دخترانی که در این مدرسه درس می‌خوانند، بسیار پرخاشگر اند. به باور فعالان مدنی در ولایت قندوز، تفسیر و تعبیر دانش آموزان اشرف‌المدارس از دین، سخت‌گیرانه، غیرمعمول و خلاف برداشت‌های موجود از اسلام در افغانستان است.

د پانو شمیره: له 3 تر 8

افغان جرمن آنلاين په درنښت تاسو همکارۍ ته رابولي. په دغه پته له مور سره اړیکه ټینگه کړئ maqalat@afghan-german.de
پادونه: دلیکنی دلیکنیزی بنی پازوالی د لیکوال په غاړه ده، هیله من یو خپله لیکنه له رالیولو مخکې په خیر و لولئ

"تو کافر شدی" و "این حرام است" دو عبارتی است که به گفته فعالان حقوق زن، شاگردان این مدرسه از آنها به عنوان حربه‌ای در برابر دیگران استفاده می‌کنند. نادره گیاه، رئیس امور زنان ولایت قندز می‌گوید: "دخترانی که در این مدرسه درس می‌خوانند بسیار پرخاشگراند. در یک مراسم یا مجلس با زنان و دختران دیگر جنگ می‌کنند، می‌گویند تو کافر شدی، چرا چادر از سرت پائین افتاد؟ چرا لباس اسلامی نیست و یا تو نماز را درست یاد نداری". به گفته شماری از فعالان مدنی این ولایت، در این مدرسه به دانش آموزان، گفته می‌شود که کارکردن زنان در خارج از منزل حرام است و زنانی که در رادیو و تلویزیون کار می‌کنند، کافر اند. خانم گیاه فعالیت‌های این مدرسه را تهدید بزرگی برای کارکنان موسسات، رسانه‌ها و فعالان مدنی قندوز می‌داند: "وقتی این‌گونه تعلیم ترویج پیدا کند و این دختران چنین آموزش ببینند و همه را کافر بدانند، دیگران نمی‌توانند آزادانه کار کنند و در اجتماع حضور یابند".

اما مولوی عبدالخالق، رئیس اشرف‌المدارس، هدف از ایجاد این مدرسه را آگاه ساختن دختران از تعالیم و تاریخ دین اسلام می‌خواند: "در ابتدای اسلام دختران مسلمان فعالیت‌های دینی بسیار می‌کردند حتی در بعضی غزوات (جنگ‌های پیامبر اسلام) اشتراک می‌کردند. از این فعالیت‌ها، ما مسلمانان عقب مانده بودیم. این انگیزه باعث شد که ما خواستیم در بخش آموزش‌های دینی همکاری کنیم تا زنان و دختران مسلمان افغانستان دوباره به اوج غیرت و شهامت خود برسند".

پوشش متفاوت

پوشش شاگردان اشرف‌المدارس نیز متفاوت است. چشم، سر و صورت کاملاً پوشیده، دست‌کش، جوراب، و کفش‌های بدون پاشنه، جزء لباس فرم شاگردان این مدرسه است.



مولوی عبدالخالق مخالفت‌ها با این مدرسه را ناشی از عدم آگاهی و متاثر از کشورهای می‌داند که می‌خواهند مسایل دینی در افغانستان کم رنگ شود. آنها از حجابی استفاده می‌کنند که قبلاً در افغانستان پیشینه نداشته است. به این دلیل در میان مردم به ویژه معلمان و دانش آموزان سایر مکاتب به 'خیمه پوشان' شهرت یافته‌اند. برخی از شاگردان این مدرسه دینی، همزمان در مکاتب دیگر نیز درس می‌خوانند، آنها یونیفورم دانش‌آموزان دختر مکاتب عمومی را غیراسلامی می‌دانند و با یونیفورم اشرف‌المدارس به مکتب می‌روند. وژمه قادری، معلم یکی از مکاتب دخترانه در قندز می‌گوید که در برخی موارد اختلاف‌های سلیقه‌ای این شاگردان با دیگران درباره مسایلی چون گرامیداشت روز معلم و اعتراض به نحوه پوشش آنها، تا سرحد برخورد فیزیکی پیش می‌رود.

د پانو شمیره: له 4 تر8

افغان جرمن آنلاين په درنښت تاسو همکارۍ ته رابولي. په دغه پته له مور سره اړیکه ټينګه کړئ maqalat@afghan-german.de یادونه: دلیکني د لیکنيزي بني پازوالي د لیکوال په غاړه ده ، هيله من يو خپله لیکنه له رالیرلو مخکي په خیر و لولی

او می‌افزاید: "دختران این مدرسه وقتی معلم یا شاگردی را می‌بینند که لباس آزادتر پوشیده، یا موهای‌شان دیده می‌شود، اعتراض می‌کنند و می‌گویند تو کافر شدی! یا چرا لباست تا زانو است و تا ساق پایت نمی‌رسد؟ چرا بلند می‌خندی؟ معلمین در برابر گستاخی و بی‌ادبی آنان هم متأسفانه چیزی گفته نمی‌توانند".

مصاحبه با رسانه‌ها و ارائه هرگونه اطلاعات در مورد اشرف‌المدارس برای شاگردان این مدرسه ممنوع است اما یکی از شاگردان این مدرسه به شرط فاش نشدن نامش در گفت‌وگویی با بی‌بی‌سی از اهداف این مدرسه و نوع قرائت دینی رایج در آن دفاع کرد.

او گفت: "اگر یک چاکلیت (شکلات) پوش نداشته باشد، هر مگسی بالای آن می‌نشیند. اما اگر یک چاکلیت پوش داشته باشد بهتر محافظت می‌شود. بنابراین حجاب یک زن مثل یک پوش برای چاکلیت است. یک زن مثل یک باغ است که اگر گرد آن دیوار نباشد گل‌های آن به یغما برده می‌شود. حجاب زن مثل همان دیوار برای محافظت از او است. دلیل افزایش بداخلاقی، فحشا و فساد، بی‌حجابی است که زیاد شده".

این دانش‌آموز قبل از رفتن به مدرسه، دانشجوی یک دانشگاه خصوصی بوده اما مدرسه طرز فکر او را تغییر داده است: "قبلا من هم لباس‌های کوتاه و چسپ که شایسته یک خانم مسلمان نیست می‌پوشیدم. حالا فهمیدم و از حقیقت اسلام آگاه شدم و می‌دانم که مناسب نیست یک دختر مسلمان در هر مجلس بنشیند و خنده و شوخی کند".

روزهای پنجشنبه و جمعه، علاوه بر شاگردان دائمی، دوره‌های آموزش دینی برای هزاران زن و دختر از اقشار مختلف در این مدرسه دایر می‌شود.

پوشش این زنان و نحوه برخوردشان در اجتماع نیز مشابه با شاگردان دایمی مدرسه است.

خانم زبیده دانشجوی یکی از دانشگاه‌های خصوصی در قندز می‌گوید: "دانشجویانی که به این مدرسه می‌روند، به این باور اند که حضور استاد مرد در صنف/کلاس کفر است. آنان با حجاب مدرسه که سر تا پا پوشیده است به دانشگاه می‌آیند و اصرار دارند که استاد مرد نباید به طرف‌شان نگاه کند. مثلا اگر استاد سوالی از آنها می‌پرسد باید رو به تخته ایستاد شود و بپرسد. چند بار در این مورد با استادان درگیر شدند. ما لباس‌های عادی می‌پوشیم، یعنی چادر و کورتی/مانتو و پتلون/شلوار. آنها به ما می‌گویند که شما مثل آمریکایی‌ها هستید و لباس‌تان کفری است".

مولوی عبدالخالق اما می‌گوید کسانی که با این مدرسه مخالفت دارند از سوی منابع بیرونی حمایت می‌شوند: "مخالفت‌های شان از عدم آگاهی است و یا اینکه متاثر از کشورهای هستند که می‌خواهند در افغانستان مسایل غیردینی رشد کند و مسایل دینی کم‌رنگ شود. در کل از طرف آنها تحریک می‌شوند".

او ادعا می‌کند حجابی که آنها برای شاگردان مدرسه در نظر گرفته حتی بر اقتصاد ولایت قندوز نیز تاثیر گذاشته و "حالا مغازه‌های زیادی در این ولایت این نوع حجاب را می‌فروشند".

منظره مرگ



شکیبا هاشمی: "دخترانی که در اشرف‌المدارس درس می‌خوانند بسیار گوشه‌گیر و از اجتماع دور شده‌اند".

د پانو شمیره: له 5 تر8

افغان جرمن آنلاين په درنښت تاسو همکارۍ ته رابولي. په دغه پټه له مور سره اړیکه ټینگه کړئ maqalat@afghan-german.de

یادونه: دلیکنی د لیکنیزې بنې پازوالي د لیکوال په غاړه ده، هیله من یو خپله لیکنه له رالیرو لو مخکې په خیر و لولئ

در ولایت قندز ۳۰ مدرسه دولتی برای آموزش علوم دینی نیز فعالیت دارند. در این مدارس هشت هزار دانش آموز از جمله دو هزار دختر، درس می‌خوانند.

شاگردان اشرف المدارس، با مدارس دولتی به شدت مخالف هستند و بر این باور اند که در این مدارس، احکام دین به صورت کامل تطبیق نمی‌شود.

مسئولان اشرف المدارس هم می‌گویند که آنها نصاب تعلیمی خود را با استفاده از کتاب‌هایی که در کشورهای ایران، پاکستان و بعضی از کشورهای عربی چاپ می‌شوند، تدوین کرده‌اند.

کتاب‌هایی چون منظره مرگ، عذاب قبر و زیور بهشت از عمده‌ترین منابع درسی در این مدرسه است.

معلم‌ان مکاتب و مدارس دولتی در قندز ابراز نگرانی می‌کنند که خواندن این کتاب‌ها، بسیاری از شاگردان این مدرسه را با مشکلات روانی دچار کرده و علاقه آنها به زندگی را از بین برده است.

شکیبا هاشمی رئیس مدرسه دولتی المومنان در قندز که ۵۰۰ دانش آموز دختر در آن درس می‌خوانند، می‌گوید: "دخترانی که در اشرف المدارس درس می‌خوانند، بسیار گوشه گیر و از اجتماع دور شده‌اند. در مجالس و عروسی‌ها اشتراک نمی‌کنند. با کسانی که عضو گروه‌شان نباشند یا در همان مدرسه درس نخوانند، رفت و آمد ندارند. زمانیکه کسی همراهشان حرف بزند، فوراً او را کافر می‌خوانند و فتوای عجیب و غریبی صادر می‌کنند."

به گفته خانم هاشمی شاگردان اشرف المدارس حتی در مواردی او و دیگر شاگردان مدارس دولتی را کافر خوانده‌اند: "حتی دختران کاکایم (عمویم) که خیلی با من صمیمی بودند، پس از شامل شدن در این مدرسه رفت و آمد را با ما و تمام فامیل قطع کردند. دلیل شان این است که شما کافر هستید و ما مسلمان. می‌گویند شما به عروسی‌ها اشتراک می‌کنید و ما نمی‌کنیم. نمازی که شما می‌خوانید غلط است و نمازی که ما می‌خوانیم درست."

یکی از انتقادهای این شاگردان به مدارس دولتی این است که در آنجا استادان مرد در کلاس‌های دختران تدریس می‌کنند. به عقیده اینها، استادان مرد حق ندارند رو در رو با شاگردان دختر صحبت کنند و یا به آنها درس بدهند بلکه باید از میان غره و یا از پشت پرده به شاگردان تدریس کنند.

دین محمد از استادان اشرف المدارس می‌گوید: "اگر استاد مرد به دختران تدریس کند، از لحاظ شرع باید با آنها مخلوط نباشد. هرچه قدر آنها حجاب داشته باشند، در صنف برای خواندن درس چشم‌های شان باز است و این موضوع در شرع مورد اختلاف است که آیا چشم هم عورت است یا نه؟ برای همین ما از داخل غره و از کلکین (پنجره) کوچکی که در آن پرده نصب شده به شاگردان درس می‌دهیم."

راز پشت پرده

داستان ازدواج مفتی سراج‌الدین، از استادان و بنیان‌گذاران مدرسه اشرف‌المدارس، با شاگرد نوجوان این مدرسه حکایت از رازهای پشت پرده این مدرسه دارد.

عبدالمعروف: "نظم این مدرسه نظامی‌ست و کودکانی که بی‌نظمی کنند و بهتر نیاموزند مورد سرزنش قرار می‌گیرند." مسئولان مدرسه به این سوال پاسخ نگفتند که چگونه و چرا مفتی سراج که صاحب چند فرزند است، دومین همسرش را از میان شاگردان نوجوان همین مدرسه انتخاب کرده است؟

اما یکی از مسئولین این مدرسه به صورت غیررسمی گفت که ازدواج مفتی سراج‌الدین با این دانش آموز بر اساس رضایت طرفین و خانواده دختر صورت گرفته است.

عطاءالرحمان بابر، از چهره‌های جهادی و با نفوذ قومی در قندز، در اعتراض به این ازدواج، مانع ادامه تحصیل دخترش در این مدرسه شده است.

او می‌گوید: "من اعتراض کردم. گفتیم شما اشتباه کردید. پدری که دخترش را فرستاده، اعتماد کرده. معلم را به عنوان پدر معنوی پنداشته. چگونه می‌تواند با او عروسی کند؟ آنها با همین جرات برایم گفتند که معلم هرگز پدر شده نمی‌تواند. دختر رضایت داشته، طرفین موافق بودند، سن و سال مهم نیست."

به گفته آقای بابر او و دیگر شهروندان قندز با این امید که دختران‌شان علم دین بیاموزند، آنها را به این مدرسه فرستادند.

او با انتقاد از اشرف المدارس گفت: "اینها حتی بزرگداشت از تولد پیامبر اسلام را گاهی رد می‌کنند. روز مادر را رد می‌کنند. جامعه مدنی را رد می‌کنند. ما افغانها سال‌های سال فاتحه‌خوانی داشتیم اما این‌ها حتی فاتحه‌خوانی را رد می‌کنند. هیچ کسی هم مانع شان شده نمی‌تواند چون منبر و مسجد و آیات و حدیث به دست آنها است. اگر روزی بر سر منبر بالا شوند و یک تعداد را کافر بخوانند، ما چه کرده می‌توانیم؟!"

د پانو شمیره: له 6 تر 8

افغان جرمن آنلاين په درنښت تاسو همکارۍ ته رابولي. په دغه پته له مور سره اړیکه ټينگه کړئ maqalat@afghan-german.de
پاڼونه: دليکنې دليکنيزې بڼې پازوالي د ليکوال په غاړه ده، هيله من يو خپله ليکنه له راليرلو مخکې په خیر و لولی

در مواردی نیز دیده شده است که شاگردان مدرسه در مراسم فاتحه‌خوانی و تشییع جنازه، در برابر مصیبت‌دیدگان ایستاده و به آنها هشدار داده‌اند که اگر اشک بریزند، کافر می‌شوند.

آنان عروسی‌شان را نیز با تلاوت قرآن و طرح سوالات مذهبی برگزار می‌کنند. به گفته برخی از اعضای جامعه مدنی در قندز، شاگردان این مدرسه در پشت کارت‌های دعوت عروسی می‌نویسند: "عروسی بر اساس شریعت اسلامی". آنها موسیقی، رقص و پایکوبی و نشستن عروس و داماد در کنار هم در مراسم عروسی را حرام می‌دانند.

اما شکیبیا هاشمی که خود دوره‌های آموزش اسلامی را گذرانده، دلیلی برای مخالفت با شادی در عروسی‌ها از نظر دینی نمی‌بیند: "خوشی در میان زنان در اسلام حرام نیست. پیامبر اسلام فرموده شما آنقدر صدای نکاح‌تان را با خوشحالی بلند بسازید که تمام اهالی از آن با خبر شوند، در اینجا میزان خوشحالی را ذکر کرده است. اما اینها با این نظر موافق نیستند. عروسی‌شان را با تلاوت و تبلیغ برگزار می‌کنند. عروس را هم با تلاوت 'آهسته برو' (نام آهنگ ویژه مراسم عروسی در افغانستان) می‌کنند".

افزون بر شاگردان بزرگسال، حدود ۸۰۰ کودک زیر ده سال نیز در یکی از بخش‌های اشرف المدارس درس می‌خوانند که حدود ۲۰۰ تن از آنان دختر هستند.

استادان این مدرسه در میان کودکان می‌نشینند و برای تنبیه و تادیب، چوب و یا خطکش با خود دارند. عبدالمعروف از مسئولان مدرسه می‌گوید که "نظم این مدرسه نظامی‌ست و کودکانی که بی‌نظمی کنند و بهتر نیاموزند مورد سرزنش قرار می‌گیرند".

وزارت معارف/آموزش و پرورش افغانستان تایید می‌کند که برخی از مدارس در ولایت قندز با ترویج افراط‌گرایی، همزیستی مسالمت‌آمیز را در جامعه با مشکل روبرو کرده‌اند.

شفیق صمیم، معاون آموزش‌های اسلامی در وزارت معارف هرچند حاضر نشد در مورد این مدرسه سخن بگوید اما پذیرفت که برخی از مدارس در قندز برخلاف نصاب تعلیمی نظام معارف افغانستان تدریس و فعالیت می‌کنند.

او تصریح کرد: "بعضی مدارس در قندز به شکل تشددآمیز (تندروانه) به شاگردان تدریس می‌کردند. مثلاً به شاگردان گفته شده بود که کسی که نماز نمی‌خواند کافر است. درحالی‌که شریعت کسی را که نماز نمی‌خواند کافر نمی‌پندارند و تنها منکر نماز را کافر می‌دانند. یک شاگرد این مدرسه به مادر خود گفته بود که شما چند روز است که نماز نمی‌خوانید بنابراین کافر شدید".

منابع مالی مدرسه

سوال بی‌پاسخی که ذهن بسیاری از شهروندان قندز را به خود مشغول کرده، این است که این مدرسه خصوصی با بیشتر از شش هزار دانش‌آموز، از کجا و چگونه تمویل می‌شود؟



خانم شهرزاد اکبر می‌گوید اگر این مدارس قانونی و رسمی نشوند و نصاب آنها مطابق نظام معارف افغانستان تهیه نگردد، تجربه مصر در این کشور تکرار خواهد شد.

د پانو شمیره: له 7 تر 8

افغان جرمن آنلاين په درنښت تاسو همکارۍ ته رابولي. په دغه پته له مور سره اړیکه ټینگه کړئ maqalat@afghan-german.de

یادونه: دلیکنی د لیکنیزې بڼې پازوالی د لیکوال په غاړه ده، هیله من یو خپله لیکنه له رالیولو مخکې په څیر و لولئ

مفتی سراج‌الدین از موسسان اشرف‌المدارس هنگام تهیه این گزارش در ترکیه و کشورهای عربی به سر می‌برد. اما مولوی عبدالخالق مسئول این مدرسه می‌گوید که مصارف آنها را شاگردان مدرسه با فروش زیورآلات خود تمویل می‌کنند.

او در این باره توضیح می‌دهد: " آنان گوشواره، انگشتر و حلقه‌های نامزدی و دیگر طلاهای‌شان را می‌فروشند و به مدرسه کمک می‌کنند. تا حدی که به هزینه ۲۰ هزار دالر آمریکایی ما برای یکی از شاخه‌های مدرسه زمین خریداری کردیم و به هزینه ۱۲ هزار دالر ساختمان اعمار کردیم. مصرف همه اینها را همین دختران فداکار ما می‌دهند". به گفته مولوی عبدالخالق شمار شاگردان این مدرسه در حال افزایش است: "علما از ۹ ولایت آمدند و از ما برنامه گرفتند تا به همین شکل مدارس را در ولایت‌های خود گسترش دهند. حتی چند وقت پیش یکی از شاگردان خواهر ما که به کانادا عروسی کردند، زنگ زد و گفت که در آنجا مدرسه باز کردند و همین مضامین و برنامه‌ها را به افغان‌های مهاجر می‌آموزند".

گسترش دامنه فعالیت این مدرسه، فعالان جامعه مدنی را نگران ساخته است. خانم شهرزاد اکبر در این باره می‌گوید که اگر این مدارس قانونی و رسمی نشوند و نصاب آنها مطابق نظام معارف افغانستان تهیه نگردد، تجربه مصر در افغانستان تکرار خواهد شد.

او می‌افزاید: "اینها با یک برنامه بیرونی و با یک تفسیر بسیار قشری و سخت‌گیرانه از دین وارد جامعه می‌شوند و آرام آرام یک نیروی اجتماعی را تولید می‌کنند که مخالف پیشرفت، تغییر، بهبود، قانونمداری و ارزش‌های دموکراتیک است. امروز بخشی از کسانی که فعالیت‌های تروریستی را در افغانستان انجام می‌دهند، به اصطلاح در مدرسه‌ها تربیت می‌شوند و از یک روند ذهن‌شویی می‌گذرند که آنها را تشویق به انتحار و کشتار می‌کند".

این فعال مدنی معتقد است که اگر جلو فعالیت چنین مدارسی گرفته نشود، این احتمال وجود دارد که همانند برخی از کشورهای عربی، شاگردان این مدراس نیز تلاش کنند تا عقیده خود را بر سایر اقشار جامعه تحمیل کنند. به گفته او تفسیر آنها از دین در تضاد با فرهنگ جامعه و برداشت معتدل از دین قرار دارد: "وقتی تعبیرهای غلط، جانبدارانه و زن‌ستیزانه از دین صورت می‌گیرد، اولین و بزرگترین قربانی زنان هستند. حقوق اسلامی، حق کار، آموزش، سیاست ورزیدن و آزادی‌های مدنی‌شان محدود می‌شود".

بر اساس آمار وزارت معارف، هم اکنون ۲۵۰ هزار نفر در ۱۱۰۰ مدرسه مربوط به این وزارت، آموزش‌های دینی می‌بینند که ۱۵ هزار تن از این افراد دختر هستند.

وزارت معارف تأیید می‌کند که ۱۳۰۰ مدرسه دینی ثبت نشده در کشور فعال است. علاوه بر این یک نهاد اسلامی به نام جمعیت اصلاح نیز صدها مدرسه دخترانه و پسرانه را در ولایت‌های کابل، هرات، ننگرهار و بلخ تأسیس کرده که حدود چهار هزار تن در آنها درس می‌خوانند. (پایان گزارش)

د پانو شمیره: له 8 تر8

افغان جرمن آنلاين په درنښت تاسو همکارۍ ته رابولي. په دغه پټه له مور سره اړيکه ټينگه کړئ maqalat@afghan-german.de

يادونه: دليکنې د ليکنيزې بڼې پازوالي د ليکوال په غاړه ده ، هيله من يو خپله ليکنه له راليرلو مخکې په خپر و لولئ